

# عبور از بهانه‌های نوشتن



سیدحسین حسینی نژاد

مدیر مسئول ماهنامه انشا و نویسندگی

## ۳. قبل از نوشتن، با کسی

### در باره نوشته‌مان صحبت کنیم

به او بگوییم چه می‌خواهیم بنویسیم. یا درباره چه می‌خواهیم بنویسیم. احتمالاً سؤالاتی از شما دارند. این سؤالات موتور شما را برای نوشتن گرم می‌کند. اگر کسی را پیدا نکردیم با میز، صندلی، دیوار، ماهی، گربه و ... حرف بزنیم.

## ۴. به زبان مجاوره بنویسیم

در نوشته‌های جدی توصیه می‌کنند که به زبان عامیانه ننویسیم و این سخن کاملاً درست است. اما برای گرم شدن و راه افتادن برای نوشتن ایرادی ندارد که عامیانه بنویسیم. بعدها فرصت بازنگری و اصلاح متن را داریم. تجربه گویای این واقعیت است که وقتی به زبان عامیانه می‌نویسیم ایده‌های بیشتری راحت‌تر به سراغمان می‌آیند. در عامیانه نوشتن انرژی‌ای صرف پیدا کردن واژه‌های درست و کتابی نمی‌شود، بلکه انرژی صرف پیدا کردن ایده‌های جدید می‌شود.

## ۵. جزئیات ویژه را به متن اضافه کنیم

بسیاری از نوشته‌ها کلی هستند. باید توجه کنیم که خواننده نیاز به اطلاعات بیشتری دارد تا با ما هم‌مسیر شود. البته این کار مرز باریکی با پرحرفی دارد. برخی بیش از اندازه توضیح می‌دهند و وارد جزئیات بسیار فرعی می‌شوند. به اندازه اطلاعات دادن در اوایل سخت است اما به مرور برای فرد ساده می‌شود. جزئیات ویژه نوشته شما را ویژه می‌کند. جزئیاتی از صحنه، شخصیت‌ها، اتفاق‌ها، ایده‌ها.

## ۱. با تمام احساسات بنویسیم

گاهی چند صفحه مطلب می‌خوانی اما هیچ حسی از نوشته نمی‌گیری. به خاطر اینکه نویسنده با احساس نوشته

می‌داند که شما نیز مانند من بارها تصمیم گرفته‌اید بنویسید اما به دلایل گوناگون آن را عقب انداخته‌اید. هرکسی هم در این کار دلیل خودش را دارد. برخی دلیل‌ها البته به هم شبیه هستند: الان وقتش نیست، بگذار کمی بیشتر مطالعه کنم، الان کار واجب‌تری دارم، بیشتر فکر کنم تا بهتر بنویسم و ... به هر صورت، در آغاز از نوشتن طفره می‌روییم و در این جدال اغلب آنکه پیروز است نوشتن و به بعد موکول کردن است و ما در عمق جانمان از این عقب انداختن ناراحتیم ولی به آن تن می‌دهیم تا برایمان مفری باشد. تجربه نشان داده کارهای زیر به ما کمک می‌کند تا بالاخره پیروز این میدان باشیم:

## ۱. مبارزه با کاغذ سفید

در این مواقع برگه‌ای سفید بگذاریم جلویمان و بی‌آنکه در عاقبت کار بیندیشیم شروع به نوشتن کنیم. نوشتن مان هم نیامد، نیامد ایرادی ندارد، طرحی بزنیم، خطی بکشیم، کلمه‌های نامربوط بنویسیم تا راه بیفتیم. فراموش نکنیم که ورزشکاران نیز هر روز حوصله تمرین ندارند. برخی روزها اصلاً نمی‌خواهند وارد سالن تمرین شوند. اما افتان و خیزان می‌روند، حواس خود را پرت می‌کنند و کم‌کم شروع می‌کنند تا گرم شوند. گرم که شدند دیگر نمی‌شود از سالن بیرونشان آورد. نوشتن نیز دقیقاً همین‌طور است. پس با کاغذ بازی‌بازی کنیم تا گرم شویم.

## ۲. از روی دست دیگران تقلید کنیم

کتابی که می‌پسندیم بگذاریم جلویمان و یکی دو پاراگراف مثل مشق از رویش بنویسیم. چون کتاب را دوست داریم کم‌کم دستمان گرم می‌شود و راه می‌افتیم. از روشی که آن‌ها در نوشتن دارند مو به مو پیروی کنیم.

است. حتی جلوی خودش را در بروز احساسات گرفته است. باید در حین نوشتن حس خودمان را به خواننده منتقل کنیم.

خواننده می‌دهد. از این ظرفیت در بسیاری از قالب‌های نوشتن می‌توانیم بهره بگیریم.

#### ۱۰. از نشان دادن به جای گفتن

##### استفاده کنیم

به جای اینکه بگوییم به من خیلی خوش گذشت یا خیلی ترسیدم یا خیلی لذت بردم، این خوش گذشتن و ترسیدن و لذت بردن را به کمک کلمه نشان دهیم. ممکن است متن کمی طولانی شود اما ارزشش را دارد. مثلاً: بودن دوستان قدیم، پارک بزرگی که رفته بودیم، بازی به قل دو قل به یاد کودکی‌مان، خورش قیمه بادمجان عزیز جون و... موجب شد که به ما خیلی خوش بگذرد و از این روز حسابی لذت ببریم.

#### ۱۱. مخاطب خودمان را بشناسیم

نمی‌شود در خلأ نوشت. ما برای کسانی می‌نویسیم که دوست داریم متن ما را بخوانند. نمی‌نویسیم که نوشته باشیم. می‌نویسیم تا دیگران بخوانند و لذت ببرند یا آگاهی‌شان بیشتر شود؛ تصمیمی بگیرند که کاری را انجام بدهند و یا از انجام آن دست بکشند. پس هر اندازه مخاطب و نیازها و سطح آگاهی‌های او را بیشتر بشناسیم بهتر و مؤثرتر خواهیم نوشت.

#### ۱۲. بازنگری کنیم

وقتی چیزی نوشتید بگذارید چند روزی از آن بگذرد. بعد سراغش بروید و به‌عنوان یک فرد غریبه با متن آن را بخوانید تا بتوانید حذف و اضافه کنید. مهم‌ترین بخش نوشتن بازنگری است. بدون بازنگری متن را منتشر کردن مثل این می‌ماند که با لباس خانه به یک مجلس رسمی برویم. درباره بازنگری در شماره بعد صحبت خواهیم کرد.

#### ۷. از زوایای گوناگون به موضوع نگاه کنیم

فرض کنید قرار است درباره مدرسه بنویسیم. ساده‌ترین شکل آن اشاره به محیط امن برای تحصیل است و مکانی برای تربیت. آیا از زوایای دیگر هم می‌شود به مدرسه نگاه کرد؟ کدام زاویه؟ آیا وضعیت مدارس ما مطلوب هستند؟

چگونه می‌شود به آن سطح رسید؟ آیا معلمان شرایط لازم را برای تدریس دارند؟ آیا محتوای درسی مناسب سن و سال بچه‌ها هست؟ آیا به واقع بچه‌ها احساس امنیت در مدرسه می‌کنند؟ رابطه معلمان و اولیا چگونه است؟ این رابطه چگونه باید باشد؟ و... می‌بینید از هر زاویه‌ای که به موضوع نگاه کنیم نوشته ما شکل و محتوای دیگری به خود می‌گیرد.

#### ۸. قصه‌ای برای نوشته‌مان در نظر بگیریم

نوشته‌هایی که در آن نویسنده شروع به تعریف روایتی می‌کند و خواننده را منتظر می‌گذارد تا بداند بقیه‌اش چیست موفق‌تر از نوشته‌های بدون قصه هستند. ما می‌توانیم خاطره‌ای را بنویسیم بی‌آنکه روایت داستانی بر آن حاکم باشد و می‌توانیم قصه‌مانند آن را تعریف کنیم. قطعاً در شکل دوم خواننده بیشتر مشتاق خواندن و شنیدن مطلب ما است.

#### ۹. از گفت و گو استفاده کنیم

گفت‌وگو نوشته‌ ما را به حرکت می‌اندازد. به آن روح می‌دهد. شخصیت‌ها را معرفی می‌کند. حادثه را روشن می‌کند. با خواننده ارتباط برقرار می‌کند. داستان را پیش می‌برد. اطلاعات به